

بررسی رابطه‌ی حمایت اجتماعی با هویت یابی  
(مورد مطالعه: فرزندان شاهد شهر نیشابور)

علی اکبر مجدی (استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده‌ی مسؤول)

majdi@ferdowsi.um.ac.ir

حسین رضانی (کارشناس بنیاد شهید و امور ایثارگران، نیشابور، ایران)

hosien\_ramazani@yahoo.com

مژگان عظیمی هاشمی (عضو هیأت علمی جهاددانشگاهی خراسان رضوی، مشهد، ایران)

mozhgan.azimi@yahoo.com

چکیده

مقاله‌ی حاضر، حاصل پژوهشی است که با هدف بررسی رابطه‌ی حمایت اجتماعی (حمایت اجتماعی ادراک‌شده و حمایت اجتماعی دریافت‌شده) با سبک‌های هویتی (برگرفته از نظریه‌ی برزونسکی) به روش پیمایشی، در جامعه‌ی اماری فرزندان شاهد (شهدا، جانبازان ۵۰ درصد به بالا و آزادگان) شهر نیشابور که تعداد کل آن‌ها ۳۹۳۸ نفر بود، با حجم نمونه‌ی ۳۵۰ نفر انجام شده است. میزان حمایت اجتماعی برای پاسخ‌گویان زن از پاسخ‌گویان مرد بیش‌تر بود. پاسخ‌گویان زن بیش‌تر از پاسخ‌گویان مرد از سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت استفاده می‌کنند و در مقابل، پاسخ‌گویان مرد بیش‌تر از سبک هویت سردرگم استفاده می‌کنند. متغیرهای سن و سطح تحصیلات با سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و تعهد هویت هم‌بستگی اماری معناداری دارند؛ ولی هم‌بستگی سن با سبک هویت سردرگم<sup>۰</sup> اجتنابی معنادار نبود. حمایت اجتماعی دریافت‌شده تأثیر بیش‌تری بر سبک‌های هویتی پاسخ‌گویان دارد. هم‌بستگی حمایت اجتماعی با سبک‌های هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و تعهد هویت مستقیم و با سبک هویت سردرگم - اجتنابی معکوس است.

کلیدواژه‌ها: حمایت اجتماعی ادراک‌شده، حمایت اجتماعی دریافت‌شده، سبک‌های هویتی برزونسکی،

ایثارگران

## ۱-مقدمه بیان مساله

روابط اجتماعی از عناصر اساسی هر جامعه محسوب می‌شود و هسته اصلی جامعه را شکل می‌دهد و موجب می‌شود که کنش‌گران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل کنند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. همه افراد در جامعه به نوعی برای برقراری ارتباط با دیگران در تلاش هستند تا مبادلات خود را در زمینه‌های مختلف سرعت دهند (صالحی، ۱۳۸۶).

حمایت اجتماعی برای هر فرد، یک رابطه امن و اطمینان‌بخش را به وجود می‌آورد. همچنین، حمایت اجتماعی یک کمک دوجانبه است که باعث ایجاد تصوّر مثبت از خود، پذیرش خود و احساس ارزشمندی می‌شود و همه این موارد در نهایت، به فرد فرصت خودشکوفایی می‌دهد. مطالعات زیادی بر اهمیت حمایت اجتماعی و تأثیرات آن بر جنبه‌های مختلف زندگی، تأکید داشته و رابطه آن را با موضوعات مختلف بررسی کرده‌اند. تحقیقات بسیاری حکایت از آن دارند که برخورداران از حمایت اجتماعی مطلوب، فشار روانی را تعدیل می‌کند؛ به عنوان مثال، راتوس<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) معتقد است که حمایت اجتماعی اثرات نامطلوب فشار روانی را از طریق پنج روش توجّه عاطفی، یاری‌رسانی، اطلاعات، ارزیابی و جامعه‌پذیری تعدیل و تضعیف می‌کند. پژوهش فلمینگ<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) نیز بر نقش تعدیل‌کننده حمایت اجتماعی بر استرس تأکید داشته است. لو<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) معتقد است حمایت اجتماعی اثرات رویدادهای استرس‌زا را تعدیل می‌کند و باعث تجربه عواطف مثبت می‌شود. لیو آندرز<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) نشان دادند که حمایت اجتماعی موجب غلبه بر مشکلات زندگی زناشویی می‌شود.

فرزندان شاهد در جریان زندگی فردی و اجتماعی خود با چالش‌های فراوانی مواجه هستند که در برخورد با این چالش‌ها، نقش شبکه‌های اجتماعی آن‌ها در فراهم کردن انواع حمایت‌های اجتماعی بسیار بااهمیت است. این‌ها با توجّه به شرایط خاصی که دارند، زودتر در معرض آسیب‌های ناشی از بی‌توجهی و نادیده‌گرفته‌شدن، قرار می‌گیرند. یکی از مسائلی که در مورد فرزندان خانواده‌های شاهد، کم‌تر توجه شده است، مسأله هویت‌یابی آن‌ها می‌باشد. فرآیند هویت‌یابی، امری مجزاً از محیط اجتماعی نیست؛ بلکه هویت در ارتباط با اجتماع شکل می‌گیرد. یکی از عواملی که بر هویت‌یابی تأثیرگذار بوده و کم‌تر به آن توجه شده است، حمایت اجتماعی است (اریکسون، ۱۹۶۸).

1 Rathus

2 Fleming

3 Lu

4 Lee

### ■ مفهوم حمایت اجتماعی

مفهوم حمایت اجتماعی<sup>۱</sup> از نظریه مشهور امیل دورکهایم<sup>۲</sup> (۱۹۵۲)، جامعه‌شناس فرانسوی، درباره رابطه انسجام اجتماعی و میزان خودکشی بررسی شده است. بنابر نظر دورکهایم، هرچه احساس پیوند فرد با گروهش (برای مثال با خانواده‌اش) بیش‌تر باشد، احتمال به‌خطر افتادن سلامتی فرد کاهش می‌یابد و برعکس. حتی ممکن است در چنین شرایطی، فرد سلامت خود را به خاطر دیگران به خطر بیندازد (به نقل از عبداللهی، ۱۳۸۱).

کوب<sup>۳</sup> (۱۹۷۶) حمایت اجتماعی را اعتقاد شخصی‌ای می‌داند که در نتیجه آن، فرد دوست داشته می‌شود، مورد احترام قرار می‌گیرد و ارزشمند می‌شود و به یک شبکه اجتماعی و تعهدات متقابل وصل می‌شود. از نظر وی، حمایت اجتماعی باعث می‌شود افراد باور کنند که مورد علاقه، مراقبت، عشق، احترام و برای دیگران ارزشمند هستند و به شبکه‌ای با تعهدات دوسویه تعلق دارند.

لیو (۲۰۰۱) حمایت اجتماعی را به عنوان ارتباطات مفید بین افراد در نظر گرفته است؛ به عبارت دیگر، منظور از حمایت اجتماعی، تبادلات بین فردی در میان اعضای شبکه به صورت دوسویه، غیررسمی و معمولاً خودبه‌خودی و سودمند است (به نقل از حیدری، ۱۳۸۸).

حمایت اجتماعی، طبق نظر موس (۱۹۷۳)، «احساس ذهنی از تعلق داشتن، پذیرفته شدن، دوست داشته شدن، و مورد نیاز بودن به خاطر خود فرد و به خاطر آنچه می‌تواند انجام دهد»، است. کان<sup>۴</sup> حمایت اجتماعی را به عنوان یک منبع کلی و در دسترس از شبکه دوستان و آشنایان فرد، مفهوم‌سازی کرده که به فرد در مواجهه با مشکلات روزانه یا بحران‌های جدی‌تر کمک می‌کند و این حمایت باید به صورت دوسویه در شبکه اجتماعی آن‌ها برقرار باشد (معمدلی شلمزاری، اژه‌ای، آزاد فلاح و کیامش، ۱۳۸۱).

### ■ انواع حمایت اجتماعی

دیویسون (۱۳۸۴) دو جنبه عمده برای حمایت اجتماعی مطرح کرده‌اند: حمایت ساختاری و حمایت کارکردی. در تقسیم‌بندی دیگری، ویلز (۱۹۹۸) چهار نوع حمایت اجتماعی را تعریف می‌کند که می‌تواند زیرگروه حمایت کارکردی قرار گیرد: حمایت ابزاری، حمایت احترامی، حمایت اطلاعاتی و حمایت هم‌راهانه. هاوس (۱۹۸۱) چهار نوع حمایت را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: حمایت هیجانی (اعمال

1 Social Support

2 Durkheim

3 Cobb

4 Kane

احترام‌آمیز)، حمایت ارزیابی‌کننده (پسخوراند درباره رفتار و دیدگاه افراد)، حمایت اطلاعاتی (نصیحت و جمع‌آوری اطلاعات مؤثر در حل مسأله) و حمایت ابزاری (به نقل از معتمدی شلمزاری و دیگران، ۱۳۸۱). سارافینو (۱۹۹۸) به دسته‌بندی حمایت اجتماعی در ۵ مقوله حمایت عاطفی، ارزشیابانه، ابزاری یا ملموس، اطلاعاتی و شبکه‌ای پرداخت. در تقسیم‌بندی دیگر، انواع حمایت اجتماعی به سه دسته حمایت اجتماعی عاطفی، حمایت اجتماعی ابزاری و حمایت اجتماعی اطلاعاتی تقسیم شده است. در نهایت، می‌توان حمایت اجتماعی را در دو بعد ذهنی و عینی بررسی کرد که منظور از بعد ذهنی حمایت اجتماعی، همان حمایت اجتماعی ادراک‌شده و منظور از بعد عینی، حمایت اجتماعی دریافت‌شده است.

#### ■ مفهوم هویت و هویت‌یابی

از مفهوم هویت، تعاریف مختلفی شده است. در واقع، هویت واقعیتی چندبعدی است و از منظر هر رشته از علوم، تعریف خاصی دارد، با این وصف تمامی آن‌ها بر خصایص مشترکی؛ مانند داشتن تصویری خاص و روشن از خود، جامعه و جهان و کسب‌کردن نظام ارزشی که در آن خوبی‌ها، بدی‌ها و بایدها و نبایدها را تعریف می‌کند، اشاره دارد.

مانوئل کاستلز<sup>۱</sup>، هویت را روند ساخته‌شدن معنا بر پایه یک ویژگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند، تعریف می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص. ۲۲). جان کروگر<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) هویت را توازن برقرارکردن میان خود و دیگران می‌داند. در جای دیگری نیز آن را هم‌چون یک مرحله در چرخه زندگی می‌پندارد (به نقل از فرتاش، ۱۳۸۴).

بورک<sup>۳</sup> (۱۹۹۱) معتقد است که فرآیند هویت یک نظام کنترل ادراک است و هویت، مجموع معانی به‌کارگرفته برای خود در یک نقش یا موقعیت اجتماعی را شامل می‌شود که فرد را به طور خاص تعریف می‌کند (به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳). برزونسکی (۲۰۰۳) هویت را یک نظریه راجع به خویشتن می‌داند و معتقد است که افراد به سبک‌ها و شیوه‌های مختلف، به نظریه‌پردازی راجع به خود می‌پردازند. اریکسون (۱۹۶۸) هویت‌یابی را پدیده‌ای روانی-اجتماعی می‌داند که در دوره نوجوانی ظهور می‌کند. از نظر او، سه عنصر درونی در احساس هویت، نقش مرکزی را بازی می‌کنند؛ یکی، ویژگی‌های بیولوژیکی که در خلال بزرگ‌شدن تغییر پیدا می‌کنند. دیگری، نیازها، علایق، احساسات و حامیان ویژه روان‌شناختی و دیگری،

1 Manuel Castells

2 Jane Kroger

3 Burke

سابقه اجتماعی و فرهنگی خودمان که فرصت‌ها را برای بیان و بازشناسی، تشکیل‌دهنده‌های هر دو فراهم می‌کند (به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳).

### ▪ رویکردها و نظریه‌های هویت‌یابی

در مورد هویت و چگونگی شکل‌گیری آن، اندیشمندان بسیاری از منظرهای متفاوت سخن گفته‌اند. اغلب صاحب‌نظران برآنند که تشکیل هویت، فرآیندی است که در تمام طول زندگی ادامه دارد؛ اما به سبب زاینده‌گی، خلّاقیت و نیاز به استقلال در دوره نوجوانی تکوین هویت در این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

**رویکردهای گوهرگرا:** در این رویکرد، هویت برساخته‌ای در سطح تعاملی یا فرآیندی تبادل‌ی است. در این‌جا انسان یک فاعل شناسای آزاد نیست؛ بلکه یک فرد از یک جمع است؛ جمعی که جهان را به یگانه خودی و بیگانه تقسیم می‌کند. «مک گرین<sup>۱</sup> معتقد است انسان غربی برای تعریف هویت خود، همواره به تفاوت‌هایی که با دیگران دارد رجوع کرده و آن را تفسیر کرده است. سیکوس<sup>۲</sup> معتقد است زنجیره‌ای از تضادهای سلسله‌مراتبی اندیشه غربی را ساخت‌بندی کرده و عمل سیاسی‌اش را اداره می‌کند. به اعتقاد ایریگاری<sup>۳</sup>، خردگرایی غربی به وسیله اصل هویت مشخص شده که در آن ابهام و دوگانگی به حداقل کاهش یافته است. دلوز<sup>۴</sup> نیز تلاش می‌کند این رویکرد را تحت عنوان فلسفه رسمی دستگاه دولت در غرب مورد تحلیل قرار دهد» (به نقل از تاجیک، ۱۳۸۴، صص. ۲۵-۲۳).

**رویکردهای سازه‌گرا:** سازه‌گرایی اجتماعی از جمله رویکردهایی است که در مقابل گوهرگرایان شکل گرفت. این اندیشمندان معتقدند که هویت، ساخته و پرداخته‌ای اجتماعی است و در ظرف زمان و مکان خاص شکل گرفته و معنا می‌یابد. بر مبنای نظر دیانا فاس<sup>۵</sup> چند اصل مهم در سازه‌گرایی می‌توان مطرح کرد: آنچه در جهان خارج مشاهده می‌شود، طبیعی نیست؛ بلکه برساخته اجتماع است؛ برای نمونه، مفهوم «جنسیت» در تاریخ را نباید بر مبنای تمایز طبیعی بین زن و مرد توجیه کرد؛ زیرا این مفهوم در ساخت اجتماعی به وجود آمده است. مفاهیم، محصول ترتیبات خاص اقتصادی و اجتماعی هستند، نه تنها دانش به طرز اجتماعی ساخته می‌شود؛ بلکه از طریق کنش و واکنش بین افراد جامعه تداوم می‌یابد. بنابراین، تداوم دانش بشری بیش از آن‌که از کارآمدی آن در برخورد با واقعیت‌ها ناشی شده باشد، جنبه اجتماعی

1 Mac Green

2 Cixous

3 Irigaray

4 Deleuze

5 Diana Fuss

دارد. بین دانش و کنش اجتماعی نسبتی وجود دارد؛ یعنی هر سازه اجتماعی نوع خاصی از کنش‌های اجتماعی را طلب می‌کند. مارکس<sup>۱</sup> در رویکردی هم‌سو با سازه‌گرایان، هویت را به مثابه یک برساخته طبقاتی، مورد بحث قرار می‌دهد.

**رویکرد روان‌شناختی:** روان‌شناسان معتقدند شکل‌گیری و رشد هویت در دوره نوجوانی به صورت یک موضوع اساسی درآمده و در سال‌های جوانی و بزرگسالی نیز تداوم می‌یابد. «پدیده نوجوانی با این پرسش اساسی همراه است که نوجوان از خود می‌پرسد من کیستم؟ مدت‌ها طول می‌کشد تا نوجوان پس از پیمودن نشیب‌وفرازهای مبارزه برای خودآگاهی و استقلال، به نقطه عطف دیگری برسد و به خود پاسخ دهد که «من خودم هستم». دست‌یابی به این سطح از خودآگاهی، برای شکل‌گیری هویت بزرگسالی فرد، حائز اهمیت حیاتی است» (لطف‌آبادی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۸).

**نظریه اریک اریکسون:** اریکسون هویت را احساس همانندی، تداوم، یکتایی و استقلال فردی می‌داند که از باور وی در زمینه هدف‌ها، ارزش‌ها و تصویر بدنی‌اش سرچشمه می‌گیرد اریکسون، ۱۹۶۳ به نقل از قسامی، ۱۳۸۳). او ابتدا اصطلاح هویت من را برای توصیف مسائل روانی بعضی از نظامیان بازگشته از جنگ جهانی دوم، به کار برد. او مشاهده کرد که این سربازان نمی‌توانند از عهده تغییر نقش خود از سربازی به شهروند عادی برآیند و در انطباق با وظایف و مسؤولیت‌های جدید خود ناتوان هستند. با توجه به نظریه روانی - اجتماعی اریکسون، هویت به مثابه یک چهارچوب مرجع عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفت‌وگو درباره معنا، هدف و جهت‌گیری زندگی خود، از آن استفاده می‌کند. اریکسون مرحله نوجوانی را به عنوان فرصتی برای حل دوباره هویت از طریق ترکیبی که یکی‌سازی شده و تعالی‌بخش تمام همانندسازی‌های گذشته است، می‌داند. این یکی‌سازی جهت ایجاد یک کل جدید بوده که براساس آن چیزهایی است که قبلاً وجود داشته است (اریکسون، ۱۹۶۸ به نقل از برزونسکی، ۲۰۰۳).

**نظریه جیمز مارسیا:** جیمز مارسیا<sup>۲</sup> (۱۹۸۷) مفهوم نظری اریکسون در مورد هویت را از طریق گسترش پایگاه‌های هویت به عنوان وسیله‌ای برای مطالعه تجربی هویت توسعه داد. وی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای که کاوش و تعهد هویت را برای مشخص کردن پایگاه هویت افراد ارزیابی می‌کرد، ترتیب داد. او هویت را با به‌کارگیری دو مفهوم کاوش و تعهد شرح داد. کاوش مربوط به بحران می‌شود و آن تمایزهای شناختی و رفتاری را نشان می‌دهد. تعهد، به عبارتی دیگر، یک فرآیند تصمیم‌گیری است. با درنظرگرفتن وجود یا فقدان هر یک از این دو معیار (کاوش و تعهد)، در دوره شکل‌گیری هویت فرد

1 Marx

2 James Marcia

می‌توان پایگاه‌های هویت فرد را تعیین کرد. مارسیا با ترکیب فقدان یا وجود این معیارها، چهار پایگاه هویت موفق، دنباله‌رو، بحران‌زده و سردرگم را مشخص کرد (مارسیا، ۱۹۸۹ به نقل از رومانو، ۲۰۰۴).

جدول ۱- پایگاه‌های هویت مارسیا براساس دو معیار تعهد و کاوش

شاخص	فقدان کاوش	وجود کاوش
وجود تعهد	هویت دنباله‌رو	هویت موفق
فقدان تعهد	هویت سردرگم	هویت بحران‌زده

**نظریه برزونسکی:** برزونسکی (۱۹۹۰-۱۹۸۹) الگویی را مطرح کرده است که به تفاوت در فرآیندهای شناختی - اجتماعی جوانان در ساخت، نگهداری و انطباق هویت خودشان تأکید دارد. الگوی برزونسکی بر آن دسته از فرآیندهای اجتماعی - شناختی مبتنی است که طی آن، افراد براساس شیوه ترجیحی پردازش اطلاعات مربوط به خود، گفت‌وگو درباره موضوعات مربوط به هویت و تصمیمات فردی، در وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند. فرآیندهای متفاوت فرض شده، حداقل در سه سطح (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی) به کار می‌رود. اکثر اجزای اساسی آن‌ها شامل پاسخ‌های شناختی - رفتاری خاصی است که افراد در زندگی روزمره خود به کار می‌برند.

براساس نظریه برزونسکی که چهارچوب نظری این پژوهش نیز بر مبنای آن شکل گرفته است، انواع سبک‌های هویتی، عبارت‌اند از سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری، سبک هویت سردرگم و تعهد هویت.

**سبک هویت اطلاعاتی:** از طریق برخورد با مسائل هویتی و موقعیت‌های تصمیم‌گیری از طریق جست‌وجوی فعالانه پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود مشخص می‌شود. این افراد در برخورد با موضوعات مربوط به هویت، سنجیده عمل کرده و تلاش ذهنی زیادی نشان می‌دهند. افراد با سبک هویت اطلاعاتی از رویکرد مسأله‌مدار استفاده می‌کنند و وظیفه‌شناس هستند و نسبت به اطلاعات مربوط به خود اعتماد دارند و هدفمند هستند. بنابراین، تکالیف و اعمال خود را به تأخیر نمی‌اندازند.

**سبک هویت هنجاری:** از طریق به تعویق انداختن و اجتناب فعالانه از تصمیم‌گیری، شکل‌دادن تعهد و مذاکره هویت مشخص می‌شود. آن‌ها وظیفه‌شناس و هدفمند؛ اما بسیار ساختارمند هستند و در برابر اطلاعاتی که ممکن است با ارزش‌ها و عقاید شخصیشان در تعارض باشند، بسته هستند. گرایش به دفاعی بودن بیشتر و بسته‌بودن نسبت به پس‌خوراند در مورد برخی از جنبه‌های خود؛ مانند ارزش‌های شخصی هستند. آن‌ها هویت خود را در واژه‌هایی شبیه انتظار و رهنمود والدین، مذهب و دیگر گروه‌های

مهم تعریف می‌کنند. آن‌ها در مقابل اطلاعاتی که عقاید موجود و رایج آن‌ها را به چالش می‌کشند، مقاوم هستند.

**سبک هویت سردرگم:** افراد دارای وضعیت سردرگم از سبک پردازش هویت سردرگم - اجتنابی استفاده می‌کنند. آن‌ها سعی دارند از روبه‌رو شدن با مسائل و تعارض‌های هویتی تا حد ممکن اجتناب کنند. وقتی که آن‌ها مجبور به تصمیم‌گیری می‌شوند، براساس یک سبک موقعیتی - احساسی عمل می‌کنند و با پیامدهای آنی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. تعریف خود این افراد که براساس محبوبیت، شهرت و تأثیری که روی دیگران دارند، است، در مقیاس‌های نیاز به شناخت و گشودگی، نمره کمتری به دست می‌آورد. دفاعی بودن آن‌ها گرایش به تعمیم انفعالی به موقعیت‌های تصمیم‌گیری و مشکلات فردی دارد، همواره تلاش می‌کنند که از مواجهه با مسائل فردی، تعارضات و تصمیمات اجتناب کنند. سبک هویت سردرگم - اجتنابی با راهبردهای مقابله هیجان‌مدار، انتظارات کنترل بیرونی، راهبردهای تصمیم‌گیری غیرانطباقی، تغییرپذیری مقطعی، واکنش‌های افسرده‌گون، رابطه مثبت و با وظیفه‌شناسی رابطه منفی نشان می‌دهد.

**تعهد هویت:** یک چهارچوبی ارجاعی از ارزش‌ها و باورهاست که ممکن است خودساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (برزونسکی، ۲۰۰۳). تعهد درجه‌ای از سرمایه‌گذاری شخصی است که فرد نسبت به شغل و اعتقادات خود ابراز می‌کند (مارسیا، ۱۹۶۶ به نقل از فرتاش، ۱۳۸۴). با توجه به چهارچوب نظری پژوهش و همچنین، با توجه به هدف تحقیق مبنی بر بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی با سبک‌های هویتی، می‌توان مدل مفهومی این پژوهش را به صورت شکل زیر نشان داد:

#### ■ مدل مفهومی پژوهش

با توجه به چهارچوب نظری و هدف اصلی پژوهش مبنی بر شناسایی رابطه بین حمایت اجتماعی با سبک‌های هویتی برزونسکی، مدل زیر می‌تواند رابطه بین دو متغیر را به خوبی نشان دهد:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش



## ۲. روش پژوهش

تحقیق حاضر در دسته پژوهش‌های توصیفی و هم‌بستگی و کاربردی است که به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه فرزندان خانواده شهدا، جانبازان ۵۰ درصد به بالا و آزادگان شهر نیشابور به تعداد ۳۹۳۸ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه از جدول برآورد حجم نمونه جرسی مورگان استفاده شده است. براساس فرمول مورگان، تعداد حجم نمونه در بین جامعه آماری ۳۵۰ نفر به دست آمد. در این پژوهش، برای تحقق اهداف و بررسی رابطه بین متغیرها از دو پرسش‌نامه محقق‌یافته استفاده شده است که پرسش‌نامه (الف) سبک‌های هویتی و پرسش‌نامه (ب) حمایت اجتماعی را می‌سنجد. برزونسکی در سال ۱۹۸۹ پرسش‌نامه سبک‌های هویتی را ساخت و وایت نیز در سال ۱۹۹۸ در آن تجدید نظر کرد. این پرسش‌نامه ۴۰ آیتم دارد که برای سنجش سه سبک هویت، اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی (۳۰ آیتم) و تعهد هویت به صورت جداگانه (۱۰ آیتم) طراحی شده و براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت بوده که پیوستار پاسخ‌ها بر پایه طیفی از کاملاً مخالف، مخالف، مطمئن نیستم، موافق و کاملاً موافق، رتبه‌بندی شده و به ترتیب، نمره‌های یک، دو، سه، چهار و پنج به هر گزینه اختصاص یافته است. تحلیل عاملی ۳۰ آیتم با استفاده از چرخش واریماکس، منجر به استخراج سه سبک هویت، مشابه نسخه اصلی آن شد (وایت، ۱۹۹۸).

## ۳. یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی ویژگی‌های جمعیتی پاسخ‌گویان نشان داد که میانگین سن پاسخ‌گویان ۳۱,۷ سال و انحراف استاندارد ۵,۹ است. جوان‌ترین پاسخ‌گو ۱۹ سال و مسن‌ترین پاسخ‌گو ۵۰ سال سن دارد. ۵۱,۸ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۴۸,۲ درصد زن بودند. سطح تحصیلات بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۲,۹ درصد) لیسانس بود. ۵/۴ درصد پاسخ‌گویان مجرد و ۹۱/۱ درصد متأهل می‌باشند. پدران ۴۸ درصد از پاسخ‌گویان دارای سطح تحصیلات ابتدایی هستند و مادران بیشتر پاسخ‌گویان (۴۴,۳ درصد) دارای سطح تحصیلات ابتدایی می‌باشند و ۲۵,۷ درصد مادران بی‌سواد هستند. ۷۷,۴ درصد پاسخ‌گویان شاغل، شغل ۳۸ درصد پاسخ‌گویان کارمندی، ۱۹,۱ درصد فرهنگی، ۸ و بقیه به سایر مشاغل اشتغال دارند.

۱۱,۴ درصد از پاسخ‌گویان دارای درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان، ۱۶,۲۹ درصد دارای درآمد بین ۵۰۰ تا ۷۵۰ هزار تومان، ۱۲,۸۶ درصد دارای درآمد بین ۷۵۰ تا ۹۹۹ هزار تومان، ۲۰,۲۹ درصد دارای درآمد بین

۱ تا ۱,۵ میلیون تومان و ۱۲,۸۶ درصد پاسخ‌گویان دارای درآمد بالای ۱,۵ میلیون تومان می‌باشند. در نهایت، ۲۶,۵۷ درصد پاسخ‌گویان درآمد خود را ذکر نکرده‌اند.

از میان سبک‌های هویتی، سبک هویتی هنجاری با میانگین  $3/18$  و انحراف معیار  $1/079$  قوی‌تر از سایر سبک‌های هویتی بوده و سبک‌های هویتی سردرگم-اجتنابی و تعهد هویت با میانگین  $3/12$  و انحراف معیار  $1/291$  و  $1/010$  در مرتبه بعدی قرار گرفته است. سبک هویتی اطلاعاتی پاسخ‌گویان با میانگین  $2/75$  و انحراف معیار  $1/001$  ضعیف‌ترین سبک هویتی در نظر پاسخ‌گویان بوده است. همچنین، آماره‌های توصیفی متغیر مستقل حاکی از حمایت اجتماعی در حد متوسط از پاسخ‌گویان می‌باشد (میانگین حمایت اجتماعی  $2/73$  از ۵ یا به عبارت دیگر  $54/6$  درصد می‌باشد) که به طور دقیق‌تر می‌توان گفت که حمایت اجتماعی ادراک‌شده توسط پاسخ‌گویان، از حمایت‌های دریافت‌شده آن‌ها بیشتر است؛ به عبارت دیگر، یافته‌های توصیفی سبک‌های هویتی به این صورت است که  $10,6$  درصد پاسخ‌گویان در حد خیلی زیاد دارای سبک هویت اطلاعاتی،  $22,6$  درصد در حد زیاد دارای این سبک بودند.  $43,1$  درصد در حد متوسط،  $9,4$  درصد کم و  $5,7$  درصد خیلی کم دارای این سبک هویتی بودند. برخورداری پاسخ‌گویان از سبک هویت هنجاری به این صورت است که  $4,9$  درصد خیلی زیاد،  $19,7$  درصد زیاد،  $32,9$  درصد در حد متوسط،  $21,7$  درصد کم و  $12$  درصد خیلی کم دارای این سبک هویتی بودند. میزان برخورداری پاسخ‌گویان از سبک هویت سردرگم-اجتنابی به هنگام مواجه شدن با مشکلات به این صورت می‌باشد:  $14$  درصد پاسخ‌گویان خیلی زیاد دارای این سبک هویتی بودند،  $16,6$  درصد به میزان زیاد و  $22,9$  درصد در حد متوسط،  $26$  درصد به میزان کم و  $14,9$  درصد به میزان خیلی کم، دارای این سبک هویتی بودند. میزان تعهد هویت پاسخ‌گویان به این صورت می‌باشد:  $4,9$  درصد از تعهد هویتی خیلی زیاد و  $19,1$  درصد از تعهد زیاد برخوردارند،  $38$  درصد از تعهد متوسط،  $22,6$  درصد از تعهد هویتی کم و  $8,9$  درصد از تعهد هویتی خیلی کم برخوردارند، در حالی که  $57,2$  درصد از پاسخ‌گویان از حمایت ادراک‌شده خیلی زیاد و زیاد برخوردارند. تنها  $33,5$  درصد از آن‌ها از حمایت دریافت‌شده خیلی زیاد و زیاد برخوردارند. همچنین، از طرف دیگر، می‌توان گفت در حالی که تنها  $14$  درصد پاسخ‌گویان از حمایت ادراک‌شده کم و خیلی کم برخوردار هستند. بیش از  $34$  درصد پاسخ‌گویان از حمایت اجتماعی دریافت‌شده کم و خیلی کم برخوردارند. میزان حمایت اجتماعی ادراک‌شده و دریافت‌شده در حد متوسط به ترتیب  $26,9$  و  $27,7$  درصد است. بنابراین، می‌توان این‌گونه توضیح داد که پاسخ‌گویان نسبت به حمایت اجتماعی ادراک‌شده بالایی که دریافت می‌کنند، حمایت اجتماعی به نسبت پائین‌تری دریافت می‌کنند.

## نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل‌های استنباطی (آزمون فرضیه‌ها)

نتایج به‌دست‌آمده از بررسی و آزمون فرضیه اصلی تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک‌شده و دریافت‌شده) با سبک‌های هویتی پاسخ‌گویان نتایج نشان داد که بین دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر مورد مطالعه، برابر  $0/631$  بوده و مقدار احتمال مربوط به سطح معنی‌داری آن برابر  $0/000$  است که از  $0/05$  کمتر است. بنابراین، می‌توان گفت وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار بین دو متغیر پذیرفته می‌شود.

برای بررسی دقیق‌تر رابطه بین حمایت اجتماعی و سبک‌های هویتی، رابطه ابعاد حمایت اجتماعی و سبک‌های هویتی در یک مدل رگرسیون خطی چندمتغیره شامل یک متغیر وابسته (سبک‌های هویتی) و دو متغیر مستقل (ابعاد حمایت اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود کدام یک از ابعاد حمایت اجتماعی، تأثیر بیشتری بر استفاده از سبک‌های هویتی دارد. نتایج این بررسی نشان داد رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سبک‌های هویتی معنادار نمی‌باشد (سطح معناداری  $0/658$ ) و تنها بین حمایت اجتماعی دریافت‌شده با سبک‌های هویتی، رابطه معنادار وجود دارد (سطح معناداری  $0/00$ ) و از آن‌جا که ضریب رگرسیون مثبت می‌باشد، از این رو، رابطه بین دو متغیر مستقیم بوده و با افزایش حمایت اجتماعی دریافت‌شده، میزان استفاده از سبک‌های هویتی افزایش می‌یابد.

مطالعات خیلی کمی به بررسی مستقیم رابطه بین حمایت اجتماعی و سبک‌های هویتی پرداخته‌اند؛ اما از میان مطالعات انجام‌شده درباره ارتباط متغیرهای مختلف با سبک‌های هویتی، مطالعات اشاره‌شده در ذیل تا حدودی با نتایج این پژوهش هم‌خوانی دارند.

با توجه به فرضیه فرعی اول تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک‌شده و دریافت‌شده) با سبک هویت اطلاعاتی پرداختیم، نتایج آزمون رگرسیون برای بررسی رابطه بین دو متغیر که گویای رابطه ضعیف بین دو متغیر می‌باشد، سطح معناداری به‌دست‌آمده  $0/000$  می‌باشد و نشان می‌دهد رابطه دو متغیر معنادار است. با توجه به این که  $R$  عدد  $0/249$  را نشان می‌دهد، رابطه بین متغیرها ضعیف است و با توجه به مقدار  $R^2$  می‌توان گفت تنها  $0/062$  درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقل قابل تبیین است. همچنین، نتایج آزمون این فرضیه نشان داد رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک‌شده با سبک هویت اطلاعاتی معنادار است (سطح معناداری  $0/003$ ) و بین حمایت اجتماعی دریافت‌شده با سبک هویت اطلاعاتی رابطه معنادار وجود دارد (سطح معناداری  $0/001$ ) و از

آن جا که ضریب رگرسیون مثبت است، بنابراین، رابطه بین دو متغیر مستقیم بوده و با افزایش حمایت اجتماعی ادراک شده و دریافت شده، میزان استفاده از سبک هویتی اطلاعاتی نیز افزایش می یابد.

بروور<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی (که موفق ترین سبک هویتی است) با بُعد حمایتی فرزندپروری، رابطه مثبت معناداری دارد، نشان دادند افراد با سبک هویت اطلاعاتی در مواجهه با بحران های شخصی، از راهبردهای مقابله ای مسأله مدار استفاده می کنند (به نقل از قسامی، ۱۳۸۳).

با توجه به فرضیه فرعی دوم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت هنجاری پرداخته شده است، نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون دو متغیره جهت بررسی رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی و سبک هویت هنجاری، نشان داد متغیر مستقل (حمایت اجتماعی ادراک شده و دریافت شده) تأثیر چندانی بر روی سبک هویت هنجاری ندارد. همچنین، با توجه به مقدار  $R^2$  می توان گفت تنها ۰/۰۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، قابل تبیین است. نتایج جزئی این بررسی نشان داد که رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت هنجاری، معنادار نمی باشد. سطح معناداری، رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده با سبک هویت هنجاری، به ترتیب برابر با ۰/۳۱۰ و ۰/۲۵۲ بوده که نشان می دهد رابطه معنادار نیست. در این رابطه، بروور (۲۰۰۸) نشان داد سبک هویت هنجاری، هم بستگی مثبتی با بُعد حمایتی و کنترل رفتاری فرزندپروری دارد.

با توجه به فرضیه فرعی سوم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت سردرگم - اجتنابی پرداخته شد، نتایج نشان داد که رابطه بین دو متغیر، رابطه منفی و معنادار است. نتایج تحلیل واریانس، رابطه حمایت اجتماعی با سبک هویت سردرگم - اجتنابی نشان دهنده رابطه نسبتاً قوی بین دو متغیر است. مقادیر  $R$  در مدل رگرسیونی که نشان دهنده شدت رابطه می باشد، برابر ۰/۵۸۰ بوده که بیان گر رابطه نسبتاً قوی بین دو متغیر است و مقدار  $R^2$  که نشان می دهد چه مقدار از تغییرات متغیر وابسته را می توان با متغیر مستقل تبیین کرد، ۰/۲۶ به دست آمده است. از این رو، می توان گفت که ابعاد حمایت اجتماعی ۲۶ درصد از تغییرات سبک هویت سردرگم - اجتنابی را تبیین می کند؛ به عبارت دیگر، افرادی که از حمایت اجتماعی برخوردار باشند، ۲۶ درصد کمتر از سبک هویت سردرگم - اجتنابی برای حل مشکلات استفاده می کنند.

رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی (ادراک شده و دریافت شده) با سبک هویت سردرگم-اجتنابی معنادار بوده (سطح معناداری ۰/۰۰۲ و ۰/۰۱ که از ۰/۰۵ کوچک‌تر است) و از آنجا که ضریب رگرسیون منفی می‌باشد، رابطه بین دو متغیر معکوس است؛ به این معنا که با افزایش حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده میزان استفاده از سبک هویتی سردرگم-اجتنابی کاهش می‌یابد.

معمولاً در این سبک هویتی، فرد اهداف و برنامه‌های روشنی برای زندگی خود ندارد و اساساً به دنبال آن هم نیست. این افراد از روبه‌رو شدن با مسائل شخصی، طفره می‌روند، در تصمیم‌گیری‌های خود احساسی عمل می‌کنند، قادر نیستند به پیامدهای رفتار و کارهای خود فکر کنند و معمولاً سعی در اجتناب و گریز از تصمیم‌گیری دارند. به همین دلیل، برخورد آن‌ها با مشکلات زندگی بسیار ناپخته و ضعیف است. این افراد هنگامی که با مشکلی روبه‌رو شوند، سعی می‌کنند از آن فرار کنند. به همین دلیل، بهانه‌تراشی یکی از روش‌هایی است که توسط این افراد به‌شدت استفاده می‌شود. افرادی که سبک هویت سردرگم-اجتنابی دارند، افرادی وابسته هستند که نمی‌توانند بسیاری فعالیت‌ها را به‌طور مستقلانه انجام دهند. به همین دلیل، هنگام ورود به دانشگاه، با مشکلات متعدد ارتباطی و اجتماعی روبه‌رو می‌شوند که در نهایت با مشکلات تحصیلی متعدد همراه می‌شود.

نتایج مطالعات آدامز نشان داد که نوجوانان سردرگم بیشتر از خانواده‌های طردکننده هستند و نوجوانان با هویت موفق بیشتر از خانواده‌های گرم و حمایت‌کننده هستند؛ یعنی خانواده‌هایی که آن‌ها را به استقلال تشویق می‌کنند (به نقل از نصرتی، ۱۳۸۵). فرنل<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) نشان داد نوجوانانی که دارای هویت سردرگم-اجتنابی هستند، به صورت معنی‌داری حمایت اجتماعی خانواده آن‌ها کمتر از نوجوانان عادی است (به نقل از قسامی، ۱۳۸۳).

با توجه به فرضیه فرعی چهارم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین میزان حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک شده و دریافت شده) با تعهد هویت پرداختیم، نتایج به‌دست آمده از تحلیل واریانس رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی و تعهد هویت، گویای یک رابطه نسبتاً قوی بین دو متغیر است ( $R = 0/468$ ) که حدود ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیر مستقل قابل پیش‌بینی می‌باشد ( $R^2 = 0/219$ ). همچنین، نتایج جزئی بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده با تعهد هویت، حاکی از رابطه مستقیم و معنادار بین دو متغیر است (سطح معناداری ۰/۰۰۰). از آنجا که ضریب رگرسیون رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده و حمایت اجتماعی دریافت شده با تعهد هویت، مثبت است، می‌توان

1 Fernel

گفت رابطه بین دو متغیر، مستقیم بوده و با افزایش حمایت اجتماعی ادراک شده و دریافت شده، میزان استفاده از سبک تعهد هویت نیز افزایش می یابد.

با توجه به فرضیه فرعی پنجم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین جنسیت و حمایت اجتماعی پرداختیم، نتایج نشان داد که میزان حمایت اجتماعی ادراک شده پاسخ گویان زن از پاسخ گویان مرد مقداری بیشتر است. نتایج آزمون T نشان دهنده وجود رابطه معنادار با خطای ۴ درصد بین جنسیت و حمایت اجتماعی می باشد.

ادوارد کیسک (۲۰۰۴) در مطالعه خود نشان داد، نسبت به مردان، زنان میزان حمایت اجتماعی بیشتری از دوستان و خانواده دریافت می کنند و سطح بالاتری از تعهد هویتی را دارند. همچنین، ریاحی، علی وردی نیا و پورحسین (۱۳۸۹) در بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان دریافتند که میزان حمایت اجتماعی ادراک شده دانشجویان دختر از دانشجویان پسر بیشتر بوده است. میانگین حمایت اجتماعی گزارش شده توسط دانشجویان دختر برابر با ۵۰٫۶ و میانگین حمایت اجتماعی گزارش شده به وسیله دانشجویان پسر ۴۷٫۹ بوده است.

با توجه به فرضیه فرعی ششم تحقیق مبنی بر این که بین پاسخ گویان مرد و زن برحسب سبک های هویتی، تفاوت وجود دارد، با مقایسه میانگین های به دست آمده از میزان استفاده از سبک های هویتی برای دو جنس، می توان گفت پاسخ گویان زن بیشتر از پاسخ گویان مرد از سبک های هویتی اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت استفاده می کنند و در مقابل، پاسخ گویان مرد بیشتر از پاسخ گویان زن از سبک هویت سردرگم استفاده می کنند. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون T (مقایسه میانگین ها) اختلاف میانگین زنان و مردان در میزان استفاده از سبک هویت اطلاعاتی ۰٫۳۵۰، سبک هویت هنجاری ۰٫۴۲۴ و سبک هویت سردرگم ۰٫۴۴۷ بوده که این اختلاف معنادار است. همچنین، اختلاف میانگین برای تعهد هویت ۰٫۰۷۲ به دست آمده است و اختلاف بسیار کمی بوده که با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۵۲۶)، معنادار نیز نمی باشد.

در تأیید یافته های مرتبط با این فرضیه، یافته های غضنفری (۱۳۸۲) نیز نشان داد که تفاوت بین دختران و پسران در میزان به کار بردن سبک اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت معنادار بوده و دختران بیشتر از این سبک های هویتی استفاده می کنند؛ ولی سبک سردرگم - اجتنابی در دختر و پسر فرقی ندارد. آقاجانی (۱۳۸۹) در تحقیق خود نشان دادند که میانگین دختران در سبک هویت اطلاعاتی در مقایسه با پسران، بالاتر و میانگین پسران در سبک هویت سردرگم و اجتنابی در مقایسه با دختران، بیشتر بوده است.

همچنین، تحقیق برزونسکی و کوک (۲۰۰۰)، نشان داد که جنسیت نقش معناداری در پیش‌بینی نمرات سبک سردرگم - اجتنابی دارد. دانشجویان پسر سبک سردرگم - اجتنابی بیشتری نسبت به دانشجویان دختر نشان دادند. همچنین، روابط اجتماعی رشدیافته با نمرات بالا در سبک هویت اطلاعاتی و نمرات پایین‌تر در سبک سردرگم - اجتنابی ارتباط دارد (به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲). در پژوهش فرتاش (۱۳۸۴)، تفاوت معناداری بین دختران و پسران در سبک سردرگم - اجتنابی و سبک هنجاری نبود؛ ولی در سبک اطلاعاتی تفاوت معنادار بوده و دختران بیشتر از پسران از این سبک هویتی استفاده می‌کنند. در مقابل، برزونسکی و کاک (۲۰۰۰) در بخشی از تحلیل خود، نشان دادند که دانشجویان پسر در سبک سردرگم - اجتنابی بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ اما برخلاف نتایج این پژوهش، الیسون و شوارتز (۲۰۰۱) با مطالعه بر روی ۳۶۵ نوجوان به این نتیجه رسیدند که میان دختران و پسران، تفاوت معناداری از نظر سبک‌های هویت وجود دارد؛ به طوری که دختران بیشتر از پسران دارای هویت سردرگم و گسیخته هستند. از نظر سبک هویت اطلاعاتی، تفاوت معناداری در سازگاری با مشکلات یافت نشد. همچنین، گرجی زاده (۱۳۸۶) در مطالعه خود به این نتایج دست یافت که بین سبک هویتی اطلاعاتی دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این صورت که دانش‌آموزان پسر بیشتر از سبک هویتی اطلاعاتی استفاده می‌کنند؛ اما بین سبک هویت هنجاری و سردرگم - اجتنابی دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

با توجه به فرضیه فرعی هفتم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین سن و سبک‌های هویتی پرداخته شد، نتایج نشان داد متغیر سن با سبک هویت اطلاعاتی، سبک هویت هنجاری و تعهد هویت رابطه معنادار دارد؛ ولی رابطه سن با سبک هویت سردرگم - اجتنابی، معنادار به دست نیامد.

مقدار ضریب هم‌بستگی رابطه بین سبک‌های هویتی و سن به ترتیب، برابر با ۰/۱۳۶ - برای سبک هویت اطلاعاتی، ۰/۱۴۱ برای سبک هویت هنجاری، ۰/۰۰۶ برای سبک هویت سردرگم - اجتنابی و ۰/۲۱۲ برای سبک تعهد هویت به دست آمده است که نشان می‌دهد بین سن و سبک‌های هویتی، رابطه ضعیفی وجود دارد و مقدار سطح معناداری برای این رابطه‌ها به ترتیب، ۰/۰۱۵ برای سبک هویت اطلاعاتی، ۰/۰۱۲ برای سبک هویت هنجاری، ۰/۹۱۴ برای سبک هویت سردرگم و ۰/۰۰۰ برای تعهد هویت دیده می‌شود که نشان می‌دهد رابطه بین سبک‌های هویتی به جز سبک هویتی سردرگم - اجتنابی با متغیر سن معنادار می‌باشد.

حسینی طباطبایی (۱۳۷۷) نشان داد که با افزایش سن، فراوانی هویت موفق نیز افزایش می‌یابد و افراد در دوره نوجوانی بیشتر در وضعیت هویت اکتساب‌شده قرار دارند.

با توجه به فرضیه فرعی هشتم تحقیق که در آن به بررسی رابطه بین سطح تحصیلات پاسخ‌گویان و انتخاب سبک هویتی پرداخته شده، نتایج نشان داد که بین سبک‌های هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و تعهد هویت با سطح تحصیلات، رابطه معنادار وجود دارد؛ اما رابطه سبک هویت سردرگم با سطح تحصیلات معنادار نیست. مقدار ضریب هم‌بستگی اسپیرمن بین دو متغیر سبک هویت اطلاعاتی و سطح تحصیلات برابر  $0/149-$  بوده و مقدار احتمال مربوط به سطح معنی‌داری آن برابر  $0/008$  است که از  $0/05$  کمتر است. بنابراین، رابطه معنی‌دار بین دو متغیر وجود دارد که نشان می‌دهد، پاسخ‌گویانی که دارای سطح تحصیلات بالاتری هستند از سبک هویت اطلاعاتی به میزان کمتری استفاده می‌کنند. ضریب هم‌بستگی اسپیرمن برای رابطه سبک هویت هنجاری با سطح تحصیلات  $0/181$  و سطح معناداری  $0/001$  به دست آمده است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم و معنادار بین دو متغیر است؛ به این معنا که هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد، از سبک هویت هنجاری بیشتر استفاده می‌کنند. رابطه بین سبک هویت سردرگم و سطح تحصیلات معنادار نبوده و رابطه تعهد هویت و سطح تحصیلات، یک رابطه معکوس و معنادار است (ضریب هم‌بستگی برابر است با  $0/123-$  و سطح معناداری برابر است با  $0/029$ ).

برزونسکی (۱۹۹۸) در تحقیقات خود مربوط به بررسی رابطه سبک هویت هنجاری با پیشرفت تحصیلی نشان داد که دانشجویانی که دارای سبک هویت هنجاری هستند، اهداف روشن تحصیلی را نشان می‌دهند. نتایج نشان می‌دهد که احساس هدفمند تحصیلی با سبک هویت هنجاری نیز مرتبط بوده است. همچنین، او دریافته است، دانشجویانی که دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی هستند، اهداف تحصیلی پایداری نداشته، منتظر تجربه شکست هستند؛ اما افرادی که سبک هویت اطلاعاتی را به کار می‌برند، اهداف تحصیلی روشنی در جهت رسیدن به اهداف خود و احساس جهت‌داری را نشان می‌دهند و برای تحقق اهداف آینده خود طرح‌هایی دارند.

#### ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعات مختلف نشان دادند حمایت اجتماعی ادراک‌شده بر وضعیت جسمی، روانی، رضایت از زندگی و جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی افراد، اثرات زیادی دارد و به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده مؤثر در مقابله و سازگاری با شرایط استرس‌زای زندگی شناخته شده است. در مطالعات موجود در این زمینه، حمایت اجتماعی به دو صورت حمایت اجتماعی دریافت‌شده<sup>۱</sup> و ادراک‌شده<sup>۲</sup> مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در

1 dreive

2 perceived



حمایت اجتماعی دریافت‌شده، میزان حمایت‌های کسب‌شده توسط فرد مورد تأکید است و در حمایت اجتماعی ادراک‌شده، ارزیابی‌های فرد از در دسترس بودن حمایت‌ها در مواقع ضروری و مورد نیاز بررسی می‌شود. مفهوم حمایت اجتماعی ادراک‌شده به حمایت از دیدگاه ارزیابی شناختی فرد از روابطش اشاره دارد. نظریه پردازان این حوزه بر این باورند که تمام روابطی که فرد با دیگران دارد، حمایت اجتماعی محسوب نمی‌شود، مگر این‌که فرد آن‌ها را به عنوان یک منبع در دسترس و مناسب برای رفع نیازهایش ارزیابی کند. مقیاس‌های حمایت اجتماعی ادراک‌شده نیز بر ارزیابی شناختی فرد از محیطش و سطح اطمینان فرد به این‌که در صورت لزوم کمک و حمایت در دسترس خواهد بود، متمرکز هستند.

در این پژوهش، رابطه بین حمایت اجتماعی و ابعاد آن (ادراک‌شده و دریافت‌شده) با سبک‌های هویتی به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که حمایت اجتماعی و به‌ویژه حمایت اجتماعی دریافت‌شده بر نحوه به‌کاربردن سبک‌های هویتی تأثیرگذار است. نتایج نشان داد که حمایت اجتماعی با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هویت هنجاری و تعهد هویت، رابطه مستقیم دارد و در مقابل، حمایت اجتماعی با سبک هویت سردرگم، رابطه معکوس دارد؛ به این معنا که افرادی که از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، کمتر از سبک هویت سردرگم استفاده می‌کنند.

ادوارد کیسک<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه خود نشان داد که ادراک مقادیر بیشتری از حمایت اجتماعی از طرف دوستان و خانواده و آینده‌نگری قابل پیش‌بینی، ساختارمند، قابل کنترل و خوش‌بینانه با تعهدات محکم در حوزه‌های هویت رابطه‌ای قوی دارد. به طور کلی، یافته‌های مطالعه او نشان داد که نگرش نسبت به آینده و حمایت اجتماعی ادراک‌شده، برای مطالعه هویت‌یابی از اهمیت بالایی برخوردار است.

هارت آپ (۱۹۸۹) دریافت که ویژگی‌های رفتاری خانواده؛ مانند حمایت، همکاری و خوش‌رفتاری، پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای رشد هویت نوجوانان هستند. همچنین، رابطه قوی بین رشد هویت مناسب و جو خانواده‌گی مناسب وجود دارد. در مطالعه پاترسون و گریز (۱۹۹۹) معلوم شد عواملی مانند رابطه صمیمانه پدر و مادر با یک‌دیگر و یا با فرزند و کفایت عملی پدر تأثیر زیادی بر هویت فرزندان خانواده دارد (به نقل از برجعلی، ۱۳۷۸).

جانبرن (۱۹۹۹) نشان داد که بین ابعاد حمایت اجتماعی خانواده با هویت شغلی دانشجویان پسر و دختر، ارتباط معناداری وجود دارد. حمایت اجتماعی بیشتر و بالاتر در خانواده و سطح بالای ابراز وجود با سطح بالای هویت شغلی ارتباط دارد (به نقل از قسامی، ۱۳۸۳).

1 Edward Cisek

باشان و شیرالی (۱۹۹۳) ثابت کردند که روابط گرم و گشوده و صمیمی بین والد-نوجوان باعث کسب هویت موفق می‌شود و در محیط‌های خانوادگی که فشار و استرس در روابط فاصله‌دار وجود دارد، کسب هویت با مشکل مواجه می‌شود (به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲).

نتایج تحقیق کوپر و گراته وانت (۱۹۸۶) نشان داد نوجوانانی که در سطح بالاتری از کشف هویت درجه‌بندی شده بودند، از خانواده‌هایی بودند که در یک محیط حمایت‌کننده فرصت‌های بیشتری را برای بیان و گسترش نظرات خود داشتند (به نقل از برجعلی، ۱۳۷۸).

برزونسکی، نارمی و کیتی<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) دریافته‌اند که افرادی که از روابط اجتماعی خوبی در جامعه برخوردارند و مورد حمایت خانواده قرار می‌گیرند، بیشتر از سبک هنجاری استفاده می‌کنند. همچنین، تحقیق آن‌ها نشان داد که روابط خانوادگی و اجتماعی رشدیافته بیشتر در مورد افراد موفق صدق می‌کند و این افراد از سبک‌های هنجاری و اطلاعاتی بیشتر استفاده می‌کنند و افرادی که موقعیت‌های ضعیف خانوادگی و اجتماعی دارند و سابقه خوبی در جامعه ندارند، بیشتر از سبک سردرگم استفاده می‌کنند و روی هم‌رفته، هوشی خوب ندارند. به طور کلی، دختران و پسران نوجوان این خانواده، در سبک‌های هویت و انسجام خانواده تفاوت ندارند؛ اما بیشتر مطالعات صورت گرفته سبک‌های هویتی را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته و تأثیر آن را بر متغیرهای مختلف از قبیل سلامت عمومی، پیشرفت تحصیلی، رضایت شغلی، نگرش به زندگی، بهزیستی روانی، سبک‌های مقابله با فشار، اختلال شخصیت و غیره مورد بررسی قرار داده‌اند. اکثر مطالعات نشان داده‌اند افراد با سبک هویت اطلاعاتی در یک شیوه ثابت و در یک دوره زمانی طولانی مدت اطلاعات را قبل از تصمیم‌گیری بررسی می‌کنند. افراد با سبک هنجاری در یک شیوه انتخابی و در یک دوره زمانی کوتاه‌تر اطلاعات را قبل از تصمیم‌گیری بررسی می‌کنند. افراد با سبک هویت سردرگم - اجتنابی به مقدار کمتر از افراد با سبک هویت هنجاری، اطلاعات را قبل از تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار می‌دهند.

مطالعات زیادی نشان داده‌اند افرادی که بیشتر از سبک هویت سردرگم استفاده می‌کنند، در حل مشکلات خود ناتوان هستند و از راه حل‌های نامناسب استفاده می‌کنند. سوینسون (۲۰۰۲) نشان داد که افراد سردرگم - اجتنابی در حل بحران‌های شخصی از روش‌های مبتنی بر دوری‌گزینی استفاده می‌کنند (به نقل از قسامی، ۱۳۸۳). همچنین، برزونسکی (۱۹۹۸) دریافت که خودانضباطی با سبک سردرگم اجتنابی، رابطه معکوس دارد (به نقل از غضنفری، ۱۳۸۲)؛ علاوه بر این، برزونسکی (۱۹۹۸، ۱۹۹۷، ۱۹۹۲) و

1 Berozenski, Narmi & Keyti

برزونسکی و نورمی (۱۹۹۷) در تحقیقات خود نشان دادند که استفاده از سبک هویت سردرگم-اجتنابی با شیوه مقابله‌ای هیجان‌مدار، خودمعلولیتی و راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب، خودآگاهی محدود، جهت‌دهی توسط دیگری، راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی، واکنش‌های اضطراب‌نا‌توان‌کننده و کنترل بیرونی مرتبط است (به نقل از فرتاش، ۱۳۸۴). همچنین، تحقیقات نشان دادند افراد دارای سبک سردرگم، مشکلات اجتماعی را تجربه می‌کنند و در برقراری و حفظ نظم حمایت اجتماعی مشکل دارند. این افراد دو خطر بالایی برای انواع مشکلات و مسائل رفتاری از قبیل عزت‌نفس پایین، سطح بالای افسردگی، روانی رنجوری، استفاده زودهنگام از دارو و الکل و مشکلات کاری قرار دارند (غضنفری، ۱۳۸۲).

برزونسکی (۱۹۹۲) در بررسی رابطه بین سبک هویت و راهبردهای مقابله‌ای نشان داد که افراد با سبک هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی از راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی (تفکر آرزومند، دورنگه‌داشتن خود و کاهش تنش) استفاده می‌کنند. یافته‌های غضنفری (۱۳۸۲) نشان داد بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و میزان سلامت روانی، رابطه مثبت و بین سبک سردرگم-اجتنابی و سلامت روانی، رابطه منفی وجود دارد. او همچنین، نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری و تعهد با افسردگی، رابطه منفی و سبک سردرگم-اجتنابی و اضطراب، رابطه مثبت وجود دارد. پایگاه هویت موفق و معوق با سبک اطلاعاتی رابطه دارد. پایگاه زودرس و سبک هنجاری هر دو شامل شکل‌گیری تعهدات هویت بدون توجه به نقش‌های اجتماعی دیگر می‌باشد. پایگاه سردرگم و سبک سردرگم-اجتنابی هر دو فاقد تعهدات مربوط به هویت و فاقد علاقه به رشد خویش‌نمی‌باشند. ادبی (۱۳۸۲) در بررسی رابطه بین وضعیت هویتی و سلامت روانی در اوایل نوجوانی به این نتیجه رسید که افراد با وضعیت سردرگم و دیررس نسبت به افراد با وضعیت هویت موفق و زودرس، سلامت روانی کمتری دارند (به نقل از قسامی، ۱۳۸۳).

همان‌طور که اشاره شد، نحوه استفاده از سبک‌های هویتی مهم بوده و نقش به‌سزایی در سلامت عمومی دارد. از طرفی، نتایج این مطالعه نشان داد که حمایت اجتماعی تأثیر مستقیم بر استفاده از سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و تعهد هویت دارد. سبک‌هایی که به گفته صاحب‌نظران سبک‌های هویتی مناسب برای مقابله با مسائل و مشکلات می‌باشد و از طرف دیگر، حمایت اجتماعی با سبک هویت سردرگم، رابطه معکوس دارد که این سبک هویتی نیز بدترین سبک برای مقابله با مشکلات است. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها پیشنهاد می‌شود حمایت اجتماعی بیشتری از خانواده‌های شهید و ایثارگر به عمل آید.

## کتاب‌نامه

۱. آفاجانی، م. ح.، شهرآرای، م. و ولی زاده، ف. (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران براساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیربومی بودن. *فصل‌نامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، (۳۸)، ۱۶۴-۱۳۵.
۲. بخشی‌پور رودسری، ع.، پیروی، ح. و عابدیان، ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی با سلامت روان در دانشجویان. *فصل‌نامه اصول بهداشت روانی*، ۷ (۲۷ و ۲۸)، ۱۵۲-۱۴۵.
۳. برجعلی، ا. (۱۳۷۸). تأثیر سازگاری و الگوهای فرزندپروری والدین بر تحول روانی-اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران. پایان‌نامه منتشر نشده دکتری روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران، ایران.
۴. تاجیک، م. ر. (۱۳۸۴). *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: فرهنگ گفتمان.
۵. حسینی طباطبایی، ف. (۱۳۷۷). بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویت و سبک‌های مقابله با بحران در نوجوانان شهر مشهد. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. تهران، ایران.
۶. حیدری، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه حمایت اجتماعی و افسردگی در دانش‌آموزان دختر شاهد و غیرشاهد مقطع متوسطه دبیرستان‌های شهرستان اهواز. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران. اهواز، ایران.
۷. دیویسون، جی. سی. (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی روانی*. (م. دهستانی، مترجم). تهران: نشر ویرایش.
۸. ریاحی، م. ا.، علی‌وردی‌نیا، ا.، پورحسین، س. ز. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان. *مجله رفاه اجتماعی*، (۱۰)، شماره پیاپی (۳۹)، ۱۲۱-۸۵.
۹. صالحی، م. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران. *نامه علوم اجتماعی*، (۳)، ۶۳-۵۹.
۱۰. عبداللهی، م. (۱۳۸۰). بررسی رابطه هویت‌یابی و رشد اخلاقی و مراحل مختلف رشد اخلاقی در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اهواز. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران. اهواز، ایران.
۱۱. غضنفری، ا. (۱۳۸۲). بررسی تأثیر هویت و راهبردهای مقابله‌ای بر سلامت روانی دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شهر اصفهان. پایان‌نامه منتشر نشده دکتری روان‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران، ایران.
۱۲. فرتاش، س. (۱۳۸۴). *رابطه هویت و تعهد با کیفیت دوستی با توجه به نقش جنس و پایگاه اجتماعی، اقتصادی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان تهران*. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. تهران، ایران.
۱۳. قسامی، م. (۱۳۸۳). بررسی رابطه نحوه عملکرد خانواده با سبک‌های هویتی دانشجویان. پایان‌نامه منتشر نشده دکتری روان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران، ایران.
۱۴. کاستلز، ام. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)*. (ح. چاووشیان، مترجم). ج دوم. چاپ ششم. تهران: انتشارات طرح نو.

۱۵. لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۱). *روان‌شناسی رشد* (۲). تهران: انتشارات سمت.
۱۶. معتمدی شلمزاری، ع.، اژه‌ای، ج.، آزاد فلاح، پ. و کیامنش، ع. ر. (۱۳۸۱). بررسی نقش حمایت اجتماعی در رضایت‌مندی از زندگی سلامت عمومی و احساس تنهایی در بین سالمندان بالاتر از ۶۰ سال. *نشریه روان‌شناسی*، ۲ (۴)، ۱۱۵-۱۳۳.
۱۷. نصرتی، م. ص.، مظاهری، م. ع. و حیدری، م. (۱۳۸۵). بررسی تحوّل‌ی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دل‌بستگی ایمن پسران نوجوان (۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله) به والدین و هم‌سالان. *فصل‌نامه خانواده‌پژوهی*، ۲ (۵)، ۳۵-۵۳.
۱۸. نیسی، ع. ک.، شکرکن، ح.، شهنی بیلاق، م. و سپهوند، م. ع. (۱۳۸۵). مقایسه سلامت روانی، سازگاری فردی-اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان فاقد و واجد مادر در دبیرستان‌های اهواز با کنترل حمایت اجتماعی و هوش هیجانی دانش‌آموزان. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، (۳)، ۲۴-۱۳.
19. Bersonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4(3), 268-282.
20. Bersonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? *Identity. An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142.
21. Bersonsky, M. D., & Ferrari, J. R. (1996). Identity orientation and decisional strategies. *Personality and Individual Differences*, 20(5), 597-606.
22. Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology*, 1, 155-186.
23. Berzonsky, M. D., Nurmi, J. E., Kinney, A., & Tammi, K. (1999). Identity processing style and cognitive attributional strategies: Similarities and difference across different contexts. *European Journal of Personality*, 13(2), 105-120.
24. Bruwer, B., Emsley, R., Kidd, M., Lochner, C., & Seedat, S. (2008). Psychometric properties of the Multidimensional Scale of Perceived Social Support in youth. *Comprehensive psychiatry*, 49(2), 195-201.
25. Cisek, E. (2004). The role of future-related thinking and perceived social support in identity development processes. (Unpublished doctoral dissertation), Fordham University, New York, NY.
26. Cobb, S. (1976). Social support as a moderator of life stress. *Psychosomatic Medicine*, 38(5), 300-314.
27. Erikson, E. H. (1968). *Identity, youth and crisis*. New York, NY: W. W. Norton Company.
28. Hartup, W. W. (1988). Social relationships and their developmental significance. *American Psychologist*, 44(2), 120-126.
29. Hartup, W. W. (1989). Social relationships and their developmental significance. *American psychologist*, 44(2), 120.
30. Kroger, J. (1996). *Identity in adolescence: The balance between self &*
31. Lee, B. (2005). Alcohol-induced stress and social support as influences of the adult ssss tccc ssss rr s aaalth ddd wll l-Being. (Unpublished doctoral dissertation), University of Pittsburgh, Pittsburgh, PA.
32. Lu, L. (1997). Social support, reciprocity, and well-being. *The Journal of Social Psychology*, 137(5), 618-628.
33. Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of personality and Social Psychology*, 3(5), 551-558.

34. *Other*. New York: Routledge.
35. Sarafino, E. P. (1998). *Health psychology* (3<sup>rd</sup> ed.). New York, NY: John Wiley & Sons.
36. wwwwz, N,, & rtr cck, .. ()))) ) vllaatigg s lif:: A jgggmnt mlill ff jjjj ctive well-being. In F. Strack, M. Argyle & N. Schwarz (Eds.), *Subjective well-being: An interdisciplinary perspective* (pp. 27-48). Oxford: Oxford University Press.
37. Waterman, A. S. (1988). Identity status theory and Erikson's theory: Communalities and differences. *Developmental Review*, 8(2), 185-208.

